

# صادرات ارزبر







بر اساس شاخص تن به کیلومتر  
**صادرات ارزبر است**

بر اساس شاخص تن به کیلومتر

**صادرات ارزبر است**



در کشورهای توسعه یافته جهان، صادرات یکی از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. کشور ما بیش از هفت دهه است که برخی از کالاهای خود را صادر می‌کند؛ اما آیا این صادرات برای کشور توسعه اقتصادی را رقم زده است؟ آیا کالاهای صادراتی ما در بازارهای جهانی قابل رقابت است؟ صادرات با ارزش افزوده متوسط رو به پایین، تا چه اندازه برای اقتصاد کشور به صرفه است؟ سیدمحمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه، برای این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی ارائه می‌دهد. به گفته او، دولت‌های ما عاشق واردات بوده و هستند و همیشه سعی کرده‌اند با واردات، ضعف‌ها و خطاهای خود را بپوشانند و توده جامعه را به نوعی راضی نگه دارند. این پژوهشگر

توسعه معتقد است که فهرست صادراتی کشور از گذشته دور تاکنون تغییری نداشته و آن زمان هم همین محصولات سنتی و کشاورزی امروز را صادر می‌کردیم، حالا گیریم خام‌فروشی‌های مدرن هم به آن اضافه شده باشد. دولت‌ها با زور نفت در حال نشان دادن تراز تبادلات تجاری هستند. در برخی صنایع مانند پتروشیمی ۸۰

درصد صادرات ما خام‌فروشی است. در کل صادرات ما صادرات بدی است و حتی ممکن است زیان هم بکنیم. او شاخصی تعریف کرده که بر اساس تن به تردد است. بر اساس شاخص تعریف‌شده، با توجه به تقاضای کاذب برای تردد در جاده‌ها در جریان تبادلات تجاری، صادرات ما به خارج نه تنها ارزآور نیست بلکه ارزبر هم هست. زیرا حتی برای ورود ماشین‌آلات سنگین ساخت جاده، ایجاد زیرساخت‌ها و خرید ماشین‌آلات ناوگان حمل‌ونقل هم باید ارز مصرف کنیم که این مسئله صادرات کالای ایرانی را ارزبر می‌کند. شنیدن حقایق از صنعتگری که در این راه موی سپید کرده و شناخت و نقد به دلالت در لباس تولید دارد و خود بر زمین سفت اجرای عملی و کاربردی ایستاده، متفاوت‌تر از کسانی است که در پشت میزها تنها به نظریه‌پردازی می‌پردازند. بحرینیان در گفت‌وگوی خود با ایمانی راسخ معتقد است که توانمندی‌های موجود در کشور با برهم‌گذاری خرده‌دانش‌هایمان، کاملاً ظرفیت و قابلیت فائق‌آمدن بر این مشکلات را دارد و به سرعت می‌توانیم کشور را از منظر اقتصادی، از کشوری بازی‌شونده به کشوری بازیگر تغییر دهیم. مشروح گفت‌وگو با سیدمحمد بحرینیان، صنعتگر و پژوهشگر توسعه، را در ادامه می‌خوانیم.

در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، آیا صادرات محصولات به‌ویژه در بخش کشاورزی برای ما مزیت به‌شمار می‌آید؟

برای پاسخ به این پرسش، به آمارهای سازمان خواروبار جهانی ملل متحد (فائو) – سازمانی تخصصی که شاخص‌های کشاورزی مانند سطح زیرکشت آبی و دیم یا میزان تولید و... را منتشر می‌کند - و سازمان تجارت جهانی - (WTO) که آمارهای صادرات و واردات جهانی را منتشر می‌کند - درخصوص چند کشور منتخب با سطوح مختلف توسعه‌یافتگی مبتنی بر صنعت و فناوری که در جدول شماره یک آمده، اشاره می‌کنم:

روند مقایسه‌ای برخی فاکتورها در بخش کشاورزی در کشورهای منتخب (جدول ۱)

شرح	ایران	برزیل	هند	توییه	چین	مالزی	ژاپن	کره‌جنوبی
کل جمعیت ۱ (هزار نفر) (سال ۲۰۱۴)	۷۸۴۱۱	۲۰۴۰۲۱۳	۱۰۲۹۳۰۸۶۰	۷۷۰۳۱	۱۰۴۲۱۰۳۱۰	۳۰۰۲۲۸	۱۲۸۰۱۶۳	۵۰۳۸۶
اشتغال در بخش کشاورزی ۱ (هزار نفر)	(۲۰۱۳)۳۰۹۱۳	(۲۰۱۳)۱۳۰۹۸۲	(۲۰۱۵)۱۹۱۰۹۶	(۲۰۱۳)۶۰۱۹	(۲۰۱۳)۲۴۱۰۷۱۰	(۲۰۱۴)۱۰۶۶۰	(۲۰۱۳)۲۰۳۳۰	(۲۰۱۴)۱۰۴۵۲
زمین‌های تجهیز شده برای زراعت آبی (سال ۲۰۱۴) بر حسب هزار هکتار	۹۰۶۰۰	۵۰۴۰۰	۷۰۴۰۰	۵۰۲۱۵	۷۰۴۰۶	۳۸۰	۲۰۴۵۸	۷۵۳
صادرات محصولات کشاورزی ۲ (میلیارد دلار)	سال ۲۰۱۴	۶۰	۸۷۰۹	۴۳۰۵	۱۸۰۴	۷۴۰۵	۳۰۰۱	۱۱۰۹
	سال ۲۰۱۵	۵۰۸	۸۰۰	۳۵۰۴	۱۷۰۲	۷۲۰۷	۲۵۰۴	۱۰۰۸
	سال ۲۰۱۶	۶۰۴	۷۷۰	۳۳۰۹	۱۶۰۶	۷۵۰۵	۲۵۰۵	۱۱۰۲
واردات محصولات کشاورزی ۲ (میلیارد دلار)	سال ۲۰۱۴	۱۳۰۹	۱۳۰۵	۲۷۰۳	۱۸۰۱	۱۷۰۰۷	۲۰۰۲	۳۵۰۰
	سال ۲۰۱۵	۱۰۰۴	۱۰۰۶	۲۷۰۷	۱۶۰۱	۱۵۰۹۶	۱۸۰۵	۷۳۰۴
	سال ۲۰۱۶	۹۰۸	۱۱۰۹	۲۹۰۰	۱۵۰۶	۱۵۴۰۹	۱۷۰۵	۷۳۰۹

مآخذ: ۱- سازمان خواروبار جهانی (FAO) <http://www.fao.org/faostat> / ۲- سازمان تجارت جهانی (WTO) <http://stat.wto.org>

آمارهای فائو نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۴، جمعیت ایران ۷۸ میلیون نفر و اشتغال بخش کشاورزی در سال ۲۰۱۳، ۹۱۳ هزار نفر بوده است. بر اساس این آمارها، زمین‌های تجهیز شده برای زراعت آبی در کشور ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار هکتار بوده که وفق آمارنامه وزارت جهاد کشاورزی در سال ۹۵ اراضی کشت آبی حدود شش میلیون و ۱۰۰ هزار هکتار بوده است. به نظر می‌رسد آمار فائو شامل زمین‌های «آیش» هم هست. البته متخصصان باید صحت آن را توضیح دهند.

در این جدول، نتایج چهار کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه مبتنی بر صنعت مانند ژاپن، کره‌جنوبی، مالزی و چین را با کشورهای به اصطلاح در حال توسعه نظیر ترکیه، برزیل، ایران و هند مقایسه کنید. اعداد، تفاوت‌های ماهوی بین این دو دسته را بسیار مؤثر و واضح نشان می‌دهد. کشورهای توسعه‌یافته با برنامه‌ریزی و حساب‌شده در بخش‌های مختلف از جمله

کشاورزی به سمت جلو گام برمی دارند. درست است که کشورهایمانند کره جنوبی و ژاپن نیاز به واردات محصولات کشاورزی دارند، اما حجم صادرات آنها از کشور ما بیشتر است. حال پرسش این است که چرا به چنین وضعیتی گرفتار شده ایم؟ ما کالاهایی را صادر می کنیم که کم و بیش بسیاری از کشورهای اطراف ما هم مشابه همین کالاهای سنتی و کشاورزی را تولید می کنند. برای نمونه مالزی، کالاهای کشاورزی از نوع صنعتی مثل روغن پالم یا کائوچو صادر می کند. در حال حاضر مالزی یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان کائوچو است که برای تولید لاستیک و... قابل استفاده است. این استراتژی کشت نشانگر آن است که آنها فکرشده کار می کنند و کشاورزی آنها هم در راستای توسعه صنعتی است. اما باید گفت در ایران به دلیل عدم توسعه یافتگی صنعتی در مقایسه با کره جنوبی و مالزی حتی در زمینه کشاورزی هنوز یک کشور نیمه پیشرفته هم نیستیم و اگر غرور کاذبمان، پرده ای در مقابل حقایق نکشد، این موضوع را درمی یابیم.

امروز واقعیت های تلخی را در زمینه کشاورزی شاهدیم. در اینجا تنها به یک مورد آن اشاره می کنم و آن نسبت جمعیت شاغلان حوزه کشاورزی به کل شاغلان کشور است. این جمعیت در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۹ درصد بوده است. با توجه به آمارهای سازمان بین المللی کار، تفاوت های آماری بسیار معناداری بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می بینیم؛ در کره جنوبی این نسبت ۴٫۶ درصد، در مالزی ۱۱٫۴ درصد، در ترکیه ۱۹٫۴ درصد، در هند ۴۷ درصد و در برزیل ۹٫۶ درصد است. معنی چنین درصدی در ایران نشان از ناتوانی عموم دولت ها در ایجاد شغل حاصل از رشد پایدار و کیفی اقتصاد - که تعادل و نسبتی منطقی در مشاغل بخش های اقتصادی به وجود آورد- و عدم توان آینده نگری و نبود برنامه ریزی مفید دارد. امروز آن ناکارآمدی ها، خطرات خود را بروز داده است؛ از جمله بحران آب، فرونشست های زمین در سطح وسیع، خطر فرسایش و نابودی خاک و... که متخصصان باید این بحران ها را تبیین و تشریح کنند. نتیجه اقتصادی چنین فعالیتی نیز در جدول ذکر شده بدون نیاز به ذره بین قابل مشاهده است.

## این کشورها استراتژی خاصی برای توسعه صنعتی و حتی محصولات کشاورزی خود دارند، اما آیا چنین استراتژی ای در ایران وجود دارد؟

کشورهای توسعه یافته حتی برای کشاورزی هم استراتژی دارند، اما در ایران بیش از ۹ دهه است که در خواب هستیم. وقتی برای توسعه صنعتی - که قلب توسعه اقتصادی است - برنامه ای نداریم، مشخص است که نباید برنامه حساب شده ای هم برای کشاورزی داشته باشیم. اگر مبالغه آمیز نباشد، همان گونه که پیش از این گفتم این نوع کشاورزی و صادرات آن تا حد قابل توجهی از تخریب محیط زیست و منابع آبی ذی قیمت مجانی خدادادی حاصل می شود. اگر نشریات پیش از انقلاب برای نمونه سال ۱۳۰۸ را مشاهده کنید، فهرست صادراتی کشور از گذشته دور تا کنون تغییری نداشته و همین محصولات سنتی و کشاورزی امروز را صادر می کردیم. دولت های ما عاشق واردات بوده و هستند و همیشه سعی کرده اند با واردات، ضعف ها و خطاهای خود را بپوشانند و توده جامعه را به نوعی راضی نگه دارند.

بر اساس مطالب منتشر شده در روزنامه اطلاعات شماره ۹۸۹، مورخ ۱۷ اسفند سال ۱۳۰۸، مربوط به احصائیه تجاری سال ۱۳۰۷ به ایران شتر، الاغ، اسب و مادیان، کره اسب، قاطر، گاو و گاو میش و حتی مرغ و خروس هم به ارزش ۸۱۳ هزار و ۶۵۲ قران وارد کرده و در همان روزنامه نوشته اند: «این رقم درست که زیاد نیست، ولی برای مملکتی فلاحتی خرید مواشی و اغنام و احشام خجالت آور است و فلاحین ما باید طوری امور زراعتی خود را اداره کنند که این مبلغ از کیسه تھی آنها خارج نشود». در آن مقطع پسته، فرش، کشمش، خشکبار، تریاک و... را صادر می کردیم. ما هنوز اندر خم همان کوچه ها مانده ایم. علاوه بر آن، در همان مقطعی که فرش صادر می کردیم، اتومبیل، گرامافون، قالی فرنگی و دستمال جیبی هم به ارزش ۵۴ میلیون و ۵۴ هزار و ۸۳۲ قران وارد می کردیم. در سال ۱۳۰۷، یک میلیون و ۹۲ هزار و ۲۸۸ قران قالی فرنگی وارد کردیم و ۴۳۸ هزار و ۵۲۰ قران دستمال جیبی وارد کردیم که در همان روزنامه می نویسند: «رعایای ما از خارجه گاو و گوسفند و مرغ

و خروس می‌خرند و ثروتمندان ما اتومبیل و دوچرخه و چنانچه می‌بینید حالت اقتصادی ما شبیه شمعی است که از دو طرف فروخته باشند. طبقه متمول ماحصل رنج خود و دیگران را به ماوراء سرحدات ما سوق می‌دهد».

## منظور از قالی فرنگی چیست؟

احتمالا قالی‌هایی بوده که در یک کشور دیگر تولید می‌شده است. چشم‌وهم‌چشمی و ولع مصرف سبب شده که این اتفاق رخ دهد.

**با توجه به آمارهایی که در زمینه صادرات مربوط به چند دهه قبل ارائه کردید؛ آیا مشابهنی با زمان حال حس نمی‌شود؟**

بانک مرکزی در فهرستی دوهزارو ۸۹۴ صفحه‌ای، وارداتی را که برای آن ارز دولتی تخصیص یافته منتشر کرد. وقتی به این فهرست نگاه کردم، برای خیلی از بخش‌هایش تأسف و افسوس خوردم و تصویر واضح‌تری برایم مشخص شد که چرا میهنمان نمی‌تواند از مشکلات رهایی یابد. همان‌طور که گفتم دولتمردان ما عموماً عاشق واردات هستند، چراکه برنامه مشخصی را برای تولید موفق و همگام با تغییرات تکنولوژی ندارند. واردات می‌تواند هم راهی ساده برای تأمین نیاز مصرف داخلی باشد و آنها را از تلاش‌های طاقت‌فرسای فکری و ذهنی خلاص کند و هم منافع کلان اقتصادی برای عده‌ای ذی‌نفع و واردکننده فراهم کند و هم احتمالاً ضعف‌های مفرط اندیشه‌ای و فقر نظری کاربردی توسعه‌ای اقتصادی و کارنابلدی اجرائی و عدم توان سازماندهی کارآمد عموم دولت‌هایمان - اگرچه انصافاً نه تمام آنها- را مخفی کند. اما نتیجه آن، توسعه‌نیافتگی اقتصادی، گسترش بی‌کاری و افزایش فقر است.

ما با سیل عظیم واردات و نداشتن برنامه‌ای مشخص برای تولید موفق، فرصت‌های شغلی و منابع ارزی خود را به راحتی در اختیار خارجی‌ها گذاشته، به راحتی از کنار این امور حیاتی گذر کرده‌ایم و امروز نتایج این نوع سیاست‌گذاری‌ها و عملکردها به وضوح قابل مشاهده است.

در روزنامه اطلاعات شماره ۹۲۶، مورخ ۲۳ آذر ۱۳۰۸ آمده: «آنها قشنگ‌ترین و لوکس‌ترین اتومبیل‌ها را برای ما می‌فرستند و چون به ذوق ملت سیروس [احتمالاً منظور کورش است] آشنا هستند، روزبه‌روز به عوض استحکام به قشنگی آن افزوده، هر روز مثل سیل به مملکت ما اتومبیل می‌ریزند». اما ببینید چقدر ارز و برای چه تعداد معتناهی واردکننده بدون اثر مؤثر در ارزش‌افزوده واقعی و کیفی اقتصاد کشورمان تخصیص داده‌اند؟ در این فهرست منتشره، پهلوپنبه‌هایی نیز تحت نام تولید مشاهده می‌شوند که به واقع دلانی هستند که در لباس تولید به فعالیت مشغول‌اند. در ادامه روزنامه اطلاعات آمده که «ما را به گردش در خیابان و اتومبیل‌سواری سرگرم کرده و در عوض هستی ما را می‌ربایند. ما هم به این نمونه تمدن ظاهری دنیا که موجب بدبختی ما شده دلیند شده‌ایم. اگر قدری هم احساسات با ما دست‌به‌یقه شود، خود را دلخوش می‌کنیم که بزرگ‌ترین صادرات ما «قالی» با این واردات برابری می‌کند و در چنین مواقع فقط رقم و عدد می‌خوانیم، مثلاً فکر می‌کنیم که در سال ۱۳۰۷، حدود ۱۰ میلیون تومان قالی از مملکت ما صادر شده و به جای آن ۱۰ میلیون تومان اتومبیل و ادوات دیگر آن وارد شده و از این حیث تعادل دست داده است، دیگر فکر نمی‌کنیم که مهم‌ترین صادرات ما قالی است و واردات ما نه فقط اتومبیل است، بلکه هزاران اشیا دیگری است که واردات اتومبیل در آن گم می‌شود و به علاوه دنیای متمدن، محصول چند ساعت کارخانجات خود را به مملکت ما می‌فرستد، درحالی‌که ما دسترنج سالیان دراز صدها هزار نفر اطفال معصوم و زنان و مردان بدبخت کارگر که با سخت‌ترین ساعات زندگی روبه‌رو شده و با مشکل‌ترین طرز با انگشتان نحیف خود کار کرده‌اند به بهای قشنگی اتومبیل داده‌ایم».



امروز باز هم با همین نوع استدلال‌های مشابه و بی‌پایه روبه‌رو هستیم و صادرات کالایی و نفت ما با واردات برابری می‌کند. دولت‌ها هم از آنجا که می‌خواهند مبالغه‌گویی کنند، از ۱۲ تا ۱۳ سال پیش می‌گویند تراز واردات و صادرات ما با هم همخوان است، اما آن را تشریح نمی‌کنند که اگر صادرات نفت را از صادرات کالا جدا کنیم و کالایی به قضیه صادرات نگاه کنیم، با کسری تراز پرداخت‌ها روبه‌رو هستیم و با زور نفت، مدام این کسری تراز را جبران می‌کنیم. اگر بخواهیم از حیث تکنولوژی به موضوع نگاه کنیم که وضع بسیار فاجعه‌آمیز است.

### منظور از کالایی نگاه کردن به صادرات چیست؟

یعنی اگر بخواهیم به کالاهای صادر شده نگاه کنیم، کالاهای صنعتی واقعی که نشان‌دهنده تولید واقعی هستند باید مدنظر قرار گیرند، نه اینکه خام‌فروشی پتروشیمی، خام‌فروشی معدن، سنگ آهن و... مدنظر باشند. بنا بر گفته رضا حمزه‌لو، مدیرعامل شرکت بازرگانی پتروشیمی (روزنامه آفتاب یزد، شماره ۳۰۹۹ مورخ ۱۳ دی ۸۹): «در بخش صنعت پتروشیمی، خام‌فروشی به این معناست که محصولات مادر صادر شود. در حال حاضر ما متانول، اتیلن و... را که محصولات مادر محسوب می‌شوند، به فروش می‌رسانیم، در حالی که باید برای سرمایه‌گذاری در صنایع پایین‌دستی خود انجام دهیم و برنامه منسجمی بریزیم تا محصولات پایین‌دستی را روانه بازار کنیم». همچنین عبدالحسین بیات، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی (دنیای اقتصاد شماره ۲۵۹۶ مورخ ۱۷ اسفند ۹۰) گفته است: «۸۰ درصد صادرات پتروشیمی کشور، خام‌فروشی است. امیدوارم روزی فرارسد که منابع هیدروکربوری هرگز خام‌فروشی نشود. در حال حاضر منابع ارزی مورد نیاز کشور از فروش منابع هیدروکربوری تأمین می‌شود». مرضیه شاهدایی، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی (روزنامه عصر آزادی مورخ ۱۵ فروردین ۹۵ شماره ۳۹۸۰) نیز اعلام کرده است: «فروش نفت، گاز و فراورده‌های پالایشگاهی در صنعت نفت و یا فروش تولیدات پایه در صنعت پتروشیمی از جمله پلی‌اتیلن‌ها، اوره و متانول و مواد شیمیایی از مصادیق خام‌فروشی است. صنعت پتروشیمی با حدود ۴۰ درصد بالاترین سهم را در صادرات غیرنفتی در اختیار دارد»؛ این گفته‌ها نشان می‌دهد که ما مشغول خام‌فروشی هستیم.

### اگر به صادرات و واردات به صورت کالایی نگاه کنیم، تراز واردات ما بیشتر از تراز صادرات است؟

بله. تقریباً می‌توان گفت که کسری ترازمان به صورت تخمینی درخصوص واردات کالایی واقعی بالای ۸۰ درصد است، زیرا باید پتروشیمی و سنگ آهن را کنار هم بگذاریم. با تبلیغات و بدون تبیین همه زوایا برای مثبت‌نشان دادن اقدامات خود، دولت‌ها با زور نفت در حال نشان دادن تراز تبادلات تجاری هستند. صادرات ما صادرات بدی است و حتی زیان هم می‌کنیم.

### چرا فکر می‌کنید ایران از صادرات خود زیان می‌بیند؟

بانک مرکزی ایران گزارشی با عنوان «خلاصه تحولات اقتصادی کشور» دارد؛ هرچند این گزارش‌ها همیشه با تأخیر منتشر می‌شود؛ برای نمونه گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سال ۹۵ هنوز منتشر نشده است، درحالی که همه دنیا، اطلاعات را به‌روز منتشر می‌کنند. به‌روزترین گزارش خلاصه تحولات موجود مربوط به سال ۹۵ است؛ یعنی در بخش آمار دو سال عقب هستیم. بانک مرکزی بر اساس طبقه‌بندی خود درخصوص صادرات گمرکی کشور، آماري ارائه می‌دهد که هم بر اساس وزن و هم بر اساس ارزش به راحتی قابلیت مقایسه دارد و در سه گروه عمده «کالاهای سنتی و کشاورزی»، «کلوخه‌های کانی و فلزی» و «کالاهای صنعتی» دسته‌بندی می‌شود. نگاهی به این آمار نشان می‌دهد که ارزش صادرات کالا

در طبقه کلوخه‌های کانی و فلزی در سال ۸۴، حدود ۱۷۰ میلیون دلار بوده که در سال ۹۵ ارزش صادرات آن به یک میلیارد و ۱۰۳ میلیون دلار رسیده است. بررسی روند صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی از سال ۴۷ تا سال ۹۵ نشان می‌دهد که ۸۹٫۵ درصد صادرات این کالا، در دوره ۹۵-۸۴ رخ داده است. به عبارتی، از سال ۸۴ به بعد شاهد شدت تخلیه منابع طبیعی کشور به نام صادرات و تولید هستیم. این رفتار به مفهوم خام‌فروشی است نه تولید. ما برای اینکه بدانیم صادرات به صرفه است یا نه، وزن محموله‌های صادراتی را تقسیم بر ارزش آن می‌کنیم و ارزش هر تن را به دست می‌آوریم.

بررسی صادرات کالاهای غیرنفتی ما نیز نشان می‌دهد که صادرات کالایی ما عمدتاً از نوع صادرات کالاهای با ارزش افزوده پایین است. در سال ۹۵ میزان دریافتی ارزی کسب‌شده از صادرات کلوخه‌های معدنی، به طور متوسط ۴۸ دلار به ازای هر تن بوده است. بر این اساس، یک شاخص در دفتر پژوهش‌های اقتصاد و توسعه اتاق مشهد تعریف کرده‌ایم که برای هر ۲۰ تن صادرات یا واردات، یک تردد به مفهوم یک رفت یا جابه‌جایی محموله در نظر بگیریم. حال ببینید این صادرات چه آسیبهایی به ما می‌زند! اعداد محاسبه‌شده را در جدول ۲ مشاهده کنید.

صادرات گمرکی کلوخه‌های کانی فلزی ایران سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۸۴ (جدول شماره ۲)

سال	کلوخه‌های کانی فلزی			
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش هر تن صادرات (دلار بر تن) (۱)	تعداد تردد مورد نیاز برای حمل و نقل (۱)
۱۳۸۴	۴۰۵۴۲	۱۷۰	۳۷	۲۲۷۰۱۰۰
۱۳۸۵	۵۰۸۷۷	۳۲۱	۵۵	۲۹۳۰۸۵۰
۱۳۸۶	۶۰۷۹۷	۲۲۷	۳۳	۳۳۹۰۸۵۰
۱۳۸۷	۶۰۴۰۸	۳۱۹	۵۰	۳۲۰۰۴۰۰
۱۳۸۸	۱۱۰۲۹۲	۷۰۲	۶۲	۵۶۴۰۶۰۰
۱۳۸۹	۱۸۰۸۱۹	۱۰۳۰۱	۶۹	۹۴۰۰۹۵۰
۱۳۹۰	۱۸۰۳۵۵	۱۰۰۳۵	۵۶	۹۱۷۰۷۵۰
۱۳۹۱	۲۱۰۸۸۳	۱۰۱۶۹	۵۳	۱۰۰۹۴۰۱۵۰
۱۳۹۲	۲۷۰۸۸۵	۱۰۷۴۹	۶۳	۱۰۳۹۴۰۲۵۰
۱۳۹۳	۱۹۰۹۰۲	۱۰۲۸۷	۶۵	۹۹۵۰۱۰۰
۱۳۹۴	۱۴۰۷۰۲	۷۲۷	۴۹	۷۳۵۰۱۰۰
۱۳۹۵	۲۲۰۹۵۲	۱۰۱۰۳	۴۸	۱۰۱۴۷۰۶۰۰
میانگین و متوسط سالانه ارزش و تعداد کل تردد	۱۷۹۰۴۱۴	۱۰۰۱۱۰	۵۶	۸۰۹۷۰۰۰۰۰

سال	واردات محصولات شیمیایی			
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش هر تن صادرات (دلار بر تن) (۱)	تعداد تردد مورد نیاز برای حمل و نقل (۱)
۱۳۸۴	۳۰۴۴۹	۴۰۱۵۱	۱۰۲۰۴	۱۷۲۰۴۵۰
۱۳۸۵	۵۰۰۲۵	۴۰۸۵۳	۹۶۶	۲۵۱۰۲۵۰
۱۳۸۶	۳۰۸۲۹	۶۰۲۵۶	۱۰۶۳۴	۱۹۱۰۴۵۰
۱۳۸۷	۳۰۰۲۴	۶۰۳۴۳	۲۰۰۹۸	۱۵۱۰۲۰۰
۱۳۸۸	۳۰۳۲۲	۶۰۵۲۹	۱۰۸۱۵	۱۶۶۰۱۰۰
۱۳۸۹	۳۰۵۵۱	۷۰۰۱۱	۱۰۹۷۴	۱۷۷۰۵۵۰
۱۳۹۰	۲۰۷۸۶	۷۰۴۴۱	۲۰۶۷۱	۱۳۹۰۳۰۰
۱۳۹۱	۲۰۰۰۲	۶۰۷۷۳	۳۰۳۸۳	۱۰۰۰۱۰۰
۱۳۹۲	۲۰۴۲۶	۷۰۲۸۱	۳۰۰۰۱	۱۲۱۰۳۰۰
۱۳۹۳	۲۰۴۶۳	۷۰۵۶۹	۲۰۸۷۰	۱۲۳۰۱۵۰
۱۳۹۴	۲۰۱۰۰	۵۰۸۴۵	۲۰۷۸۳	۱۰۵۰۰۰۰
۱۳۹۵	۲۰۱۵۲	۶۰۰۱۶	۲۰۷۹۵	۱۰۷۰۶۰۰
میانگین و متوسط سالانه ارزش و تعداد کل تردد	۳۶۰۱۲۹	۷۵۰۰۶۸	۲۰۵۷۸	۱۰۸۰۶۰۴۵۰

هر ۲۰ تن یک تردد فرض می‌شود

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۸۱ (صفحه ۲۷۴)، ۱۳۸۴ (صفحه ۲۶۶)، ۱۳۸۵ (صفحه ۲۳۷) و ۱۳۸۶ و ۱۳۹۲ (صفحه ۷۷) خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۰ (صفحه ۵۹)، ۱۳۸۶ (صفحه ۶۴)، ۱۳۸۷ (صفحه ۷۱) و ۱۳۸۸ (صفحه ۶۵)، ۱۳۸۸ (صفحه ۶۵-۶۴)، ۱۳۸۹ (صفحه ۷۵)، ۱۳۹۰ (صفحه ۷۷) و ۱۳۹۱ (صفحه ۷۴)، سال ۱۳۹۳ (صفحه ۷۹-۷۸)، سال ۱۳۹۴ (صفحه ۷۹-۷۴)، سال ۱۳۹۵ (صفحه ۷۵-۷۲)

در سال ۸۴ برای انجام صادرات ۲۲۷ هزار و ۱۰۰ تردد داشته‌ایم که این رقم در سال ۹۵ به یک میلیون و ۱۴۷ هزار و ۶۰۰ تردد رسیده است.

### آیا به میزان ارزش سوختی که مصرف کرده‌ایم، از صادرات درآمد کسب شده است؟

این موضوع فقط به سوخت مصرفی مربوط نمی‌شود. این آمار نشان می‌دهد که چنین صادراتی، تقاضاهایی کاذب مثلثا برای کامیون یا وسایل حمل دیگر به وجود می‌آورد. تقاضا از منشأی می‌آید که ارزش افزوده زیادی ندارد. این تقاضای کاذب برای محصول با ارزش افزوده پایین، زنجیره‌وار تقاضاهایی را در بخش‌های مختلف به وجود می‌آورد. مثلاً تقاضا برای گازوئیل به وجود می‌آید که آن را تبدیل به دود کنیم، آن هم برای محصولی که مابازایی درخور برای اقتصادمان ندارد، یا تقاضا برای

لوازم یدکی خودرو، جاده‌سازی و بودجه عمرانی به وجود می‌آید. از آن طرف ببینید حوادث جاده‌ای و تلفاتی که از این ناحیه جامعه متحمل می‌شود، تا چه حد سنگین است. بماند که محیط زیست را هم آلوده می‌کنیم و نمی‌دانیم ارزش آنچه نابود کرده‌ایم، چقدر است! اما آیا فکر می‌کنید واقعا به صرفه است این صادرات انجام شود؟ یا اینکه باید همه این هزینه‌ها را برای ارزش افزوده بالاتری انجام دهیم؟

صادرات و واردات گمرکی محصولات شیمیایی ایران در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۵ (جدول ۳)

سال	صادرات محصولات شیمیایی آلی				صادرات محصولات شیمیایی غیر آلی			
	تعداد تردد مورد نیاز برای حمل و نقل (۱)	ارزش هر تن صادرات (۱ دلار بر تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	تعداد تردد مورد نیاز برای حمل و نقل (۱)	ارزش هر تن صادرات (۱ دلار بر تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)
۱۳۸۴	۹۳۰۸۰۰	۴۱۴	۷۷۶	۱۰۸۷۶	۶۰۴۰۰	۱۷۴	۲۱۰	۱۰۲۰۸
۱۳۸۵	۱۰۳۰۶۰۰	۳۳۵	۶۹۴	۲۰۰۷۲	۶۸۰۹۵۰	۱۹۶	۲۷۰	۱۰۳۷۹
۱۳۸۶	۱۹۳۰۵۵۰	۴۷۰	۱۰۸۲۰	۳۰۸۷۱	۱۱۲۰۹۰۰	۲۲۸	۵۱۵	۲۰۲۵۸
۱۳۸۷	۲۸۶۰۴۰۰	۵۴۶	۳۰۱۳۰	۵۰۷۲۸	۱۰۶۰۲۰۰	۳۵۴	۷۵۱	۲۰۱۲۴
۱۳۸۸	۳۰۲۰۹۵۰	۴۰۲	۲۰۴۳۶	۶۰۰۵۹	۱۰۹۰۷۵۰	۱۵۹	۳۴۹	۲۰۱۹۵
۱۳۸۹	۳۱۸۰۷۵۰	۴۴۶	۲۰۸۴۳	۶۰۳۷۵	۱۴۲۰۴۵۰	۲۲۸	۶۵۰	۲۰۸۴۹
۱۳۹۰	۳۱۶۰۵۵۰	۵۹۵	۳۰۷۷۰	۶۰۳۳۱	۱۳۲۰۹۰۰	۳۰۲	۸۰۴	۲۰۶۵۸
۱۳۹۱	۲۶۱۰۳۵۰	۶۵۷	۳۰۴۳۲	۵۰۲۲۷	۹۷۰۸۵۰	۲۸۷	۵۶۱	۱۰۹۵۷
۱۳۹۲	۲۵۸۰۳۵۰	۶۷۴	۳۰۴۸۳	۵۰۱۶۷	۹۴۰۴۵۰	۲۶۸	۵۰۶	۱۰۸۸۹
۱۳۹۳	۳۳۳۰۹۰۰	۶۵۹	۴۰۳۹۸	۶۰۶۷۸	۱۰۷۰۸۵۰	۲۹۶	۶۳۸	۲۰۱۵۷
۱۳۹۴	۳۵۸۰۵۵۰	۵۱۵	۳۰۶۹۳	۷۰۱۷۱	۱۰۱۰۸۰۰	۲۵۹	۵۲۷	۲۰۰۳۶
۱۳۹۵	۴۱۱۰۵۵۰	۴۴۹	۳۰۶۸۸	۸۰۲۲۱	۹۴۰۵۰۰	۲۲۰	۴۱۶	۱۰۸۹۰
جمع کل و متوسط سالانه ارزش و تعداد کل تردد	۳۰۲۳۸۰۸۰۰	۵۲۷	۳۴۰۱۶۳	۶۴۰۷۷۶	۱۰۲۳۰۰۰۰۰	۲۵۲	۶۰۱۹۷	۲۴۰۶۰۰

هر ۲۰ تن یک تردد فرض می‌شود.

مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۸۱ (صفحه ۲۷۴)، ۱۳۸۴ (صفحه ۲۶۶)، ۱۳۸۵ (صفحه ۲۳۷) و ۱۳۸۶ (صفحه ۲۶۳)، سال ۱۳۹۲ (صفحه ۷۷) خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۰ (صفحه ۵۹)، ۱۳۸۶ (صفحه ۶۴)، ۱۳۸۷ (صفحه ۷۱) و ۱۳۸۸ (صفحه ۶۵)، ۱۳۸۸ (صفحه ۶۴-۶۵)، ۱۳۸۹ (صفحه ۷۵)، ۱۳۹۰ (صفحه ۷۷)، ۱۳۹۱ (صفحه ۷۴)، سال ۱۳۹۳ (صفحه ۷۹-۷۸)، سال ۱۳۹۴ (صفحه ۷۴-۷۵)، سال ۱۳۹۵ (صفحه ۷۲-۷۳)

همین قضیه را برای محصول دیگری می‌توان در نظر گرفت. در جدول شماره ۳ و ۴، صادرات محصولات شیمیایی به دو دسته آلی و غیر آلی تقسیم شده است. در واردات فقط یک قلم واردات محصولات شیمیایی ذکر شده است. در سال ۸۴ ارزش صادرات کل محصولات شیمیایی آلی به طور متوسط ۴۱۴ دلار به ازای هر تن در سال بوده است. این رقم در سال ۹۵ به ۴۴۹ دلار به ازای هر تن رسیده است. ملاحظه می‌کنید که پس از ۱۲ سال تولید هنوز ارزش هر تن صادرات آن تفاوت چندانی نیافته است؛ این یعنی درجا زدن.



صادرات و واردات گمرکی محصولات شیمیایی ایران سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۵ (جدول شماره ۴)

سال	صادرات محصولات شیمیایی (آلی و غیرآلی)				واردات محصولات شیمیایی			
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش هر تن صادرات (۱) (دلار بر تن)	تعداد تردد مورد نیاز برای حمل و نقل (۱)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش هر تن صادرات (۱) (دلار بر تن)	تعداد تردد مورد نیاز برای حمل و نقل (۱)
۱۳۸۴	۳۰۰۸۴	۹۸۶	۳۲۰	۱۵۴۰۲۰۰	۳۰۴۴۹	۴۰۱۵۱	۱۰۲۰۴	۱۷۲۰۴۵۰
۱۳۸۵	۳۰۴۵۱	۹۶۴	۲۷۹	۱۷۲۰۵۵۰	۵۰۲۰۵	۴۰۸۵۳	۹۶۶	۲۵۱۰۲۵۰
۱۳۸۶	۶۰۱۲۹	۲۳۳۵	۳۸۱	۳۰۶۰۴۵۰	۳۰۸۲۹	۶۰۲۵۶	۱۰۶۳۴	۱۹۱۰۴۵۰
۱۳۸۷	۷۰۸۵۲	۳۸۸۱	۴۹۴	۳۹۲۰۶۰۰	۳۰۰۲۴	۶۰۳۴۳	۲۰۰۹۸	۱۵۱۰۲۰۰
۱۳۸۸	۸۰۲۵۴	۲۷۸۵	۳۳۷	۴۱۲۰۷۰۰	۳۰۳۲۲	۶۰۰۲۹	۱۰۸۱۵	۱۶۶۰۱۰۰
۱۳۸۹	۹۰۲۲۴	۳۴۹۳	۳۷۹	۴۶۱۰۲۰۰	۳۰۵۵۱	۷۰۰۱۱	۱۰۹۷۴	۱۷۷۰۵۵۰
۱۳۹۰	۸۰۹۸۹	۴۵۷۴	۵۰۹	۴۴۹۰۴۵۰	۲۰۷۸۶	۷۰۴۴۱	۲۰۶۷۱	۱۳۹۰۳۰۰
۱۳۹۱	۷۰۱۸۴	۳۹۹۳	۵۵۶	۳۵۹۰۲۰۰	۲۰۰۰۲	۶۰۷۷۳	۳۰۳۸۳	۱۰۰۰۱۰۰
۱۳۹۲	۷۰۰۵۶	۳۹۸۹	۵۶۵	۳۵۲۰۸۰۰	۲۰۴۲۶	۷۰۲۸۱	۳۰۰۰۱	۱۲۱۰۳۰۰
۱۳۹۳	۸۰۸۳۵	۵۰۳۶	۵۷۰	۴۴۱۰۷۵۰	۲۰۴۶۳	۷۰۰۶۹	۲۰۸۷۰	۱۲۳۰۱۵۰
۱۳۹۴	۹۰۲۰۷	۴۰۲۰	۴۵۸	۴۶۰۰۳۵۰	۲۰۱۰۰	۵۰۸۴۵	۲۰۷۸۳	۱۰۵۰۰۰۰
۱۳۹۵	۱۰۰۱۱۱	۴۰۱۰۴	۴۰۶	۵۰۵۰۵۵۰	۲۰۱۵۲	۶۰۰۱۶	۲۰۷۹۵	۱۰۷۰۶۰۰
جمع کل و متوسط سالانه ارزش و تعداد کل تردد	۸۹۰۳۷۶	۴۰۰۳۶۰	۴۵۱	۴۰۴۶۸۰۸۰۰	۳۶۰۱۲۹	۷۵۰۰۶۸	۲۰۰۷۸	۱۰۸۰۶۰۴۵۰

هر ۲۰ تن یک تردد فرض می‌شود.

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۱ (صفحه ۲۷۴)، ۱۳۸۴ (صفحه ۲۶۶)، ۱۳۸۵ (صفحه ۲۳۷)، ۱۳۸۶ (صفحه ۲۶۳)، سال ۱۳۹۲ (صفحه ۷۷) خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۰ (صفحه ۵۹)، ۱۳۸۶ (صفحه ۶۴)، ۱۳۸۷ (صفحه ۷۱) و ۱۳۸۸ (صفحه ۶۵)، ۱۳۸۸ (صفحه ۶۵-۶۴)، ۱۳۸۹ (صفحه ۷۵)، ۱۳۹۰ (صفحه ۷۷)، ۱۳۹۱ (صفحه ۷۴)، سال ۱۳۹۳ (صفحه ۷۹-۷۸)، سال ۱۳۹۴ (صفحه ۷۹-۷۴)، سال ۱۳۹۵ (صفحه ۷۵-۷۲)

اگر متوسط سال‌های ۸۴-۹۵ را در نظر بگیرید، به عدد ۵۲۷ دلار به ازای هر تن خواهید رسید. ارزش صادرات محصولات شیمیایی غیرآلی هم در سال ۸۴ به طور متوسط ۱۷۴ دلار به ازای هر تن بوده. این رقم برای سال ۹۵ به ۲۲۰ دلار به ازای هر تن محصولات شیمیایی غیرآلی رسید که بازهم تغییر چندان چشمگیری را در ۱۲ سال شاهد نیستیم. برای این محصولات هم همان ضریب تردد را در نظر گرفتیم و گفتیم اگر هر ۲۰ تن را یک حرکت یا تردد در نظر بگیریم، در سال ۹۵، حدود ۴۱۱ هزار تردد برای محصولات شیمیایی آلی و ۹۴ هزار تردد هم برای محصولات شیمیایی غیرآلی نیاز داریم. برای واردات نیز این کار را انجام دادیم. ارزش واردات محصولات شیمیایی در سال ۹۵، دوهزارو ۷۹۵ دلار به ازای هر تن به طور متوسط بود. با در نظر گرفتن این تعداد تردد برای واردات که به نحو چشمگیری کمتر است، این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که برای واردات منابع ارزی بیشتری را خارج می‌کنیم. به این معنا که ارزش صادراتی محصولات شیمیایی ما به ازای هر تن پایین‌تر از ارزش وارداتی محصولات شیمیایی است و پس از حدود ۵۰ سال از شروع تولید محصولات شیمیایی در کشور هنوز نمی‌توانیم ارزش افزوده بالایی در این بخش تولید کنیم و به این ترتیب مدام خام‌فروشی می‌کنیم. در نهایت هم برای صادرات یقه پاره کرده و می‌گوییم صادرکننده هستیم و این بخش نیز باید ارزش خود را در بازار ثانویه بفروشد و سود مضاعف ببرد.

اگر محصولات شیمیایی آلی و غیرآلی را با هم در نظر بگیریم، به طور متوسط از سال ۸۴ تا ۹۵ به مدت ۱۲ سال، ارزش متوسط هر تن صادرات این دسته از محصولات ۴۵۱ دلار بوده و چهارمیلیون و ۴۶۸ هزار تردد برای این صادرات داشته‌ایم. حال باید به این نکته توجه کرد که با این نوع خام‌فروشی که نام تولید بر آن گذاشته‌ایم، چقدر فشار به جاده وارد می‌کنیم و به ناوگان تردد چقدر تقاضای کاذب وارد کرده‌ایم تا این صادرات شکل بگیرد.

در حال حاضر بر اثر تبعات چنین عملکردها و فشار تقاضای کاذب پیش آمده، بحث ناوگان فرسوده مطرح می‌شود و با ارزش می‌خواهند این ناوگان‌ها را پس از بیش از ۶۰ سال از شروع به اصطلاح تولید! در ایران به صورت قطعات منفصله کامل باز هم وارد و مونتاژ کنند، یا ماشین آماده وارد کنند. برای واردات محصولات شیمیایی در ۱۲ سال به ارزش متوسط سالانه دوهزارو ۷۸ دلار به ازای هر تن، تنها حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار تردد انجام شده است. به این ترتیب مشاهده می‌شود که اگر به محصولات با ارزش افزوده بیشتر روی می‌آوردیم، چه حجم عظیمی از منابع برای جامعه فراهم بود.

## برای شاخص ۲۰ تن دلیل خاصی دارید؟

هر کس می‌تواند یک شاخص در نظر بگیرد. ما هر ۲۰ تن را معادل یک تردد یا حرکت یا جابه‌جایی در نظر گرفته‌ایم. حال می‌تواند معادل یک تریلی یا یک واگن ریلی به ظرفیت ۲۰ تن باشد. این مسئله به منابع عمرانی فشار می‌آورد و نیاز به واگن ایجاد می‌کند و سبب می‌شود وزیر راه حدود ۸۰۰ واگن از روسیه بخرد و به ایران بیاورد. به عبارتی، مسئولان همواره می‌خواهند با واردات مسائل را حل کنند. در این زمینه نیز کار منسجم انجام نداده‌ایم و با توجه به وسعت سرزمین و نیازهای آن، باید ساختار مناسب تولید وسایل و تجهیزات حمل‌ونقل داشته باشیم.

## می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که صادرات ما هم با این شرایط ارزبر است؟

قطعا همین‌طور است. خودروهای مورد استفاده در سیستم حمل‌ونقل ارزبر است. واگن‌ها و ماشین‌آلات برای راهسازی ارزبر هستند. هپکو را نابود کرده و بعد ماشین‌آلات وارد می‌کنیم. این مباحث باید در اقتصاد کلان بررسی شود. دولت‌ها مسائل را شفاف نمی‌کنند، چراکه برای مردم خیلی مسائل آشکار می‌شود. برخلاف اینکه بال‌های قدرتمندی در زمینه سیاسی و امنیتی داریم، اما در زمینه اقتصاد بسیار لنگ و عقب‌مانده هستیم که احتمالا می‌تواند خطری برای آن دو بال قدرتمند شود.

عموم دولت‌های ما در برنامه‌ریزی‌های خود ناتوان بودند. برنامه توسعه را متوجه نشدند و نخواستند ادامه دهند، زیرا وقتی توسعه‌یافتگی به‌ویژه از نوع صنعتی رخ دهد، لازمه‌اش شفافیت است. گزارش اخیر بانک مرکزی برخی مسائل را روشن کرد و به نوعی شفافیت عملکرد است. این گزارش‌ها باید همچون آینه در مقابل دیدگان آحاد جامعه و نخبگان قرار گیرد تا سَره از ناسره مشخص شود و راحت‌طلبانی که در قامت یک واردکننده صرف قرار می‌گیرند و آن‌هم با اسامی حقیقی تک‌نفره یا شخص حقوقی احتمالا با ظاهری فریبنده، منابع ذی‌قیمت متعلق به محرومان این کشور را بدون هیچ ارزش‌افزوده چشمگیری، خارج کرده و بر ثروت‌هایی که از تولید حاصل نشده، شاهد ظهور بی‌ریشه برخی از نوکیسه‌هایی شویم که همان حرکات گفته‌شده قبلی در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۸ را از خود بروز دهند.

در آلمان تمام صورت‌های مالی بنگاه‌ها باید روی سایت‌ها یا در دسترس قرار گیرد. همه باید بدانند چه اتفاقی رخ می‌دهد، اما در ایران صورت‌های مالی را نمی‌توانید ببینید. همین صورت‌های ارزی هم به خواست خدا بوده که منتشر شده است و گرنه در شرایط عادی این فهرست‌ها بیرون نمی‌آمد. حالا که بیرون آمده، درد همه وجود انسان را فرا می‌گیرد. شرکتی حدود ۹۴ ردیف همگی به ارزش یکسان ۴۹۸ هزار یورو ارز دولتی دریافت کرده است. اسم این شرکت را در گوگل هم جست‌وجو کردم، اما نه تنها مشخصاتی از این شرکت نیافتم، بلکه زمینه فعالیت این شرکت هم مشخص نبود. بعد چنین شرکتی این همه واردات در حدود ۴۶ میلیون یورو هم انجام داده است. مونتاژکنندگان خودرویی دریافت‌کننده ارز دولتی در این فهرست آمده که آنها نیز صورت‌های مالی خود را در بورس ارائه نمی‌دهند تا مشخص شود که این ارزهای دولتی را به چه نحوی مصرف کرده‌اند؟ حداقل از شرکت‌هایی مانند ایران‌خودرو تا حدی به دلیل ارائه صورت‌های مالی در بورس، می‌توان داده‌هایی را به دست آورد.

## حجم صادرات ما چه میزان است و عمدتاً چه کالاهایی صادر می‌کنیم؟

بر اساس آمارهای بانک مرکزی، کالاهای صادراتی ما به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند. از سال ۷۶ تا ۹۵ طبق طبقه‌بندی‌ای که بانک مرکزی انجام داده، ۶۷ میلیارد دلار کالاهای سنتی و کشاورزی صادر کردیم. حجم صادرات در این

دسته در سال ۹۵، پنج میلیارد و ۵۲۳ میلیون دلار بوده است. فرش دستبافت، میوه خشک، پسته، کشمش و انگور تازه، خرما، سیب درختی، انواع پوست و چرم، روده، خاویار، زعفران، حیوانات زنده و... در این گروه قرار می‌گیرند. در ردیف کالاهای صنعتی محصولات پتروشیمی هم ثبت شده‌اند؛ این در حالی است که صدور محصولات پتروشیمی نوعی خام‌فروشی است. مواد شیمیایی و پتروشیمی انواع پلاستیک‌ها را هم شامل می‌شود. پیش‌تر ملاحظه کردید که مسئولان رده‌بالای این بخش صنعتی اعلام کردند که ۸۰ درصد پتروشیمی‌ها محصولات خود را خام می‌فروشند. آن را مقایسه کنید با شرکتی نظیر سینوپک چین که در سال ۲۰۰۸ رتبه هشتم را در جهان داشته، ولی در ۲۰۱۶ رتبه دوم جهان را کسب کرده است. یا سایبک عربستان که در سال ۲۰۰۸ رتبه هفتم جهان را دارا بوده، اما در سال ۲۰۱۶ به رتبه چهارم دست می‌یابد. ایران در سال ۲۰۱۶ رتبه ۴۵ صادرات پتروشیمی را از آن خود کرده است. همه کسانی که بعد از ما بودند، از ما فرسنگ‌ها جلو رفتند. برای نمونه در پتروشیمی هم تعداد زیادی تولیدکننده در تولید یک محصول مثلا متانول فعالیت دارند. کسانی که ساده‌انگارانه به سپهر اقتصادی کشور نگاه می‌کنند، رقابت و کنترل قیمت را در افزایش تعداد مجوزها می‌بینند، اما این پرسش مطرح است که با وجود این همه واحد در تولید محصولات پتروشیمی، چرا جایگاهی نداریم؟ نه فقط در پتروشیمی، بلکه با داشتن هزار و ۲۳۸ واحد تولیدی فرآورده‌های لبنی دارای پروانه بهره‌برداری و ۶۹۰ واحد در دست اجرا، چرا قیمت لبنیات روند افزایشی دارد؟ ما چرا ناتوان هستیم و رقابت مخرب را شکل داده‌ایم؟ این رفتارها نشانگر ناکارآمدی، نداشتن اهلیت حرفه‌ای یا فقر نظری تصمیم‌گیرندگان اقتصادی کشور است.

### چرا محصولات پتروشیمی را در دسته محصولات صنعتی قرار نمی‌دهید؟

قبلا گفتم که بخش اعظم آنها خام‌فروشی است. بیشتر آنها هم تکراری و کپی‌کاری است. مثلا ممکن است چهار شرکت از یک صاحب دانش خارجی، لیسانس مشابه خریداری کنند. اگر اشتباه نکنم شرکت ملی صنایع پتروشیمی که هر سال گزارش مجتمعه‌ها و طرح‌های پتروشیمی را منتشر می‌کند - که آخرین آن در بهار ۱۳۹۷ منتشر شده - اعلام کرده که در ایران برای مثال بیش از ۱۵ واحد فعال و طرح در زمینه تولید متانول و سه واحد غیرفعال و ۲۴ طرح جدید نیز در دست اجرا خواهد بود. تنها متانول نیست؛ همین وضعیت غیرمنطقی را درباره آمونیاک، اوره، اتیلن و... نیز مشاهده می‌کنیم.

عموم مسئولان تصمیم‌گیر در اقتصاد شوق‌زده دنبال کمیت‌ها بوده و هستند تا کارنامه‌ای به اصطلاح درخشان از خود به یادگار بگذارند. همین وضعیت مشابه را در قوه مقننه نیز شاهد هستیم، نمونه آن انبوه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که به تازگی تصویب کردند. هدف اینها تولید نیست. آمارهای رسمی کشور این مسئله را نشان می‌دهد. در این قضایا اثرات نفوذی واردکنندگان را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مؤثر می‌دانم. تاجرباشی‌ها در گذشته بیرق‌های روس و انگلیس را داشتند، اما این روزها بیرق‌ها نامرئی است. ممکن است هنوز هم فعالیت تاجرباشی‌ها تداوم داشته باشد، وگرنه منطقی نمی‌گوید که این تعداد واحد متانول در ایران ایجاد کنیم، یا کلنگ چندین واحد تولید آمونیاک به زمین زده شود. به راحتی نمی‌توانیم این رفتارها را به حساب ناآگاهی یا کارنابدی بگذاریم، چراکه باید بگویم رؤسای سازمان‌های دولتی خودشان اعلام کرده‌اند که صدور محصولات پتروشیمی، خام‌فروشی است. پس مسئله چیز دیگری است؛ یا اجبار و تطمیع در کار است یا منافع ذی‌نفعان مطرح می‌شود. از این‌روست که نمی‌توان آنها را به طور کامل صنعتی به مفهوم خلق‌کننده ارزش‌افزوده از قبیل محصولات با فناوری‌های بالا دانست. حتی این فعالیت‌ها نیز ارزش است. در فهرست منتشرشده واردکننده‌ها با ارزش دولتی، اسامی متعددی را می‌بینید که حتی در لباس تولیدکننده، مثلا قطعات CKD با ارزش دولتی برای کامیون و ماشین‌آلات راهسازی وارد می‌کنند و حتی برخی از شرکت‌های تولیدکننده مواد غذایی هم مقدار زیادی ارزش دولتی گرفته‌اند.



## یک شرکت تولیدکننده مواد غذایی، ارز دولتی را صرف چه کاری کرده است؟

نمی‌دانم. احتمالاً اینها پهلوان پنبه‌هایی هستند که اگر شفاف‌سازی شود، روشن می‌شود که در لباس تولید دلالی می‌کنند یا خیر. عموم دولت‌های ما بیشتر فعالان یا بنگاه‌های اقتصادی را معتاد کرده و از فرق سر تا نوک پا آنها را ارزبر کرده‌اند. فهرست‌های بانک مرکزی این را نشان می‌دهد و ای کاش این فهرست‌ها زودتر منتشر می‌شد. الان هم دیر نشده، باید کارشناسان مستقل به مسئله ورود کنند و به تحلیل وضعیت پردازند و اثرات و نتایج تصمیم‌گیری‌های گذشته در خصوص مجوزهای بی‌حدوحد داده‌شده را عیان کنند. این چه نحو مجوزدادن به شرکت‌هاست که به نام تولید می‌توانند هر کالایی را وارد کنند، حتی کالاهایی را که ارتباطی با تولید آنها نداشته باشد! مثلاً قهوه‌جوش. مگر تولید هم سوپرمارکتی می‌شود. این خود نشانه‌ای از عقب‌ماندگی است.

متوسط واردات در دولت‌های مختلف بسیار تأسف‌آور و تأمل‌برانگیز است. واردات کالا و خدمات بر اساس آمارهای مستند بانک مرکزی به طور متوسط در دوران جنگ سالانه ۱۶ میلیارد دلار براساس محاسبه میانگین حسابی بوده است. در دوران دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی ۲۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار به‌طور متوسط در هر سال واردات داشتیم. در دولت آقای خاتمی به طور متوسط ۲۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار سالانه واردات انجام شده است. اما در دوره آقای احمدی‌نژاد یکباره واردات افزایش می‌یابد. درست با شروع تحریم که باید به‌هوش می‌بودیم، واردات یکباره حدود سه برابر افزایش یافته است. به‌طور متوسط ۷۹ میلیارد و ۹۶۰ میلیون دلار در هر سال واردات انجام شده است. اما تعجب در دولت آقای روحانی است. تا پایان ۹۶ میزان واردات ۸۲ میلیارد و ۹۲۰ میلیون دلار به‌طور متوسط به ازای هر سال به ثبت رسیده است.

## آیا به تناسب واردات، صادرات هم در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد افزایش یافته است؟

صادرات هم همین جهش را داشته است. میزان جهش صادرات در دوره آقای روحانی کمتر بوده است. البته تغییرات قیمت نفت و فراورده‌های نفتی را نیز باید در این دوران در نظر داشت، درحالی‌که با تحریم‌های سختی مواجه بودیم، باید این منابع ارزشمند با چنگ و دندان پاسداری می‌شد که بتوان کشور را در شرایطی که متأثر از منابع برون‌زای ناپایدار است، به لحاظ اقتصادی کنترل کرد که این اتفاق رخ نداده است. حال پرسش این است؛ کشوری که از سال ۸۵ با تحریم روبه‌رو بوده، با این وجود چگونه این همه واردات داشته است؟



در کتاب «هنر تحریم‌ها» نوشته ریچارد نفیو می‌بینید که بسیار هوشمندانه مسائل را تشریح کرده است. در این کتاب آمده است؛ ما می‌خواستیم ارزشهای اینها را از کشورشان خارج کنیم. ما همیشه دل خوش به صادرات هستیم. اما چه کالاهایی را صادر می‌کنیم؟ صادرات صرفاً نباید در ارزش دلاری آن تعریف و خلاصه شود. صادرات در واقع میزان نیاز کشورهای دیگر به اقتصاد ما را بازتاب می‌دهد و اینکه چه میزان می‌توانیم در هژمونی اقتصاد جهان قدرت تأثیرگذاری کالایی داشته باشیم. با این نگاه، ما کالایی نداریم که به کشورهای اطراف خود صادر کنیم. آنچه تولید می‌کنیم، آنها هم تولید می‌کنند.

پیش‌تر هم گفته‌ام در دنیا چهار دسته‌بندی تولید کالایی شامل کالاهای با فناوری بالا، فناوری متوسط رو به بالا، فناوری متوسط رو به پایین و فناوری پایین داریم. عموم کالاهای تولیدی ما در دو ردیف آخر یعنی کالاهای با فناوری متوسط رو به پایین و پایین قرار دارد. بنابراین کشورهای دیگر در زمینه اقتصادی - نه در زمینه سیاسی و امنیتی - هرچه بخواهند ما را بازی می‌دهند. ما محصول تولیدی دارای فناوری بالا که بقیه کشورها برای داشتن آن عطش داشته باشند، نداریم. از این رو با واقعیتی دردناک روبه‌رو می‌شویم. ما با واسطه یا بدون واسطه آب ۱۵ کشور در اطراف خود داریم. ۵۵ درصد صادرات سال ۲۰۱۷ ایران به این ۱۵ کشور است. میزان کل واردات این ۱۵ کشور همسایه حدود هزار میلیارد دلار است و ۵۵ درصد صادرات ایران به کشورهای همسایه، فقط ۲,۵ درصد از سبد وارداتی این کشورها را شامل می‌شود. این یعنی ناکارآمدی نظام اقتصادی کشور و حسرت ازدست‌دادن فرصت‌های طلایی. مثلاً در صنعت خودرو، ۶۸ خودروساز داریم؛ در واقع عموم آنان دلالاتی در لباس تولید هستند. همه مجوز گرفته‌اند و تحت عنوان تولید ارز دولتی می‌گیرند و ماشین مونتاژی به بازار عرضه می‌کنند. این وضعیت در بسیاری از موارد مانند تلویزیون، یخچال و فریزر، ماشین لباسشویی، تراکتور و... هم وجود دارد.

### استراتژی صادراتی ایران چگونه باید نوشته شود؟

ما ابتدا باید استراتژی توسعه صنعتی بنویسیم. آن استراتژی تعیین می‌کند که صادرات چگونه باشد. البته به شرط آنکه نگویند دنیا در مقابل ما به لحاظ اقتصادی تعظیم می‌کند. باید بگوییم که دنیا به لحاظ قدرت امنیتی و سیاسی روی ما حساب می‌کند و به نقطه طلایی و موقعیت استراتژیک کشورمان غبطه می‌خورد و احترام می‌گذارد، اما نفت و منابع معدنی ما را می‌خواهد. آنها به توانمندی و قدرت ایران که متکی و ناشی از شهدای والامقام کشورمان است، تعظیم می‌کنند، ولی خود را فریب ندهیم و به جامعه علائم غلط ندهیم، اقتصاد ما - به جز بخش افراتی مصرفی‌اش برای کسب درآمد خود - برای آنها اهمیتی ندارد. اعداد و داده‌های مقایسه‌ای این را نشان می‌دهد. اگر این حقیقت دردناک را درک کنیم، قابلیت آن را داریم که در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم، اما نه با این شیوه و وضعیت رفتاری و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی که توسط هر سه قوه گرفته می‌شود. باید استراتژی صنعتی داشته باشیم و روی چهار یا پنج صنعت تمرکز کنیم.

### به نظر شما چه صنایعی برای ایران اولویت دارد؟

به نظرم آمارها، داده‌ها و اثرات بازتوزیعی در اقتصاد نشان از آن دارد که برای کشور خودرو اولویت دارد. دولت‌ها در ایران بازار مکاره درست کرده‌اند. ضربات ما از سال ۸۴ و ۸۵ یعنی دولت آقای احمدی‌نژاد شروع شد. چینی‌ها هر سال ماشین‌های بهتری تولید می‌کنند و ملت ما این واقعیت را در خیابان‌ها و جاده‌ها مشاهده می‌کنند. این سؤال آزاردهنده را مسئولان تصمیم‌گیر اقتصادی کشورمان از برنامه اول توسعه نمی‌خواهند پاسخ دهند یا حتی احتمالاً نتوانند تبیین و تحلیل کنند که چه شد چین در تقریباً ۳۰ سال توانست به این حد از پیشرفت در صنعت خودرو برسد و ما اکنون مونتاژکننده خودروهای تولیدی آنان شده‌ایم؟ با وجود منابع هنگفت مستقیم و غیرمستقیم ارزی که برای کشورمان در این سال‌ها فراهم بوده است.

وزرای اقتصادی ما تعریف درستی از تولید نکرده‌اند و به نظر می‌رسد اولویت اول خرید محبوبیت است و نه کار اساسی و بنیانی. چرا قیمت خودرو با تغییر نرخ ارز بالا رفته است؟ چقدر باید بالا برود؟

**به جز خودرو در چه محصولات دیگری می‌توانیم مزیت داشته باشیم و برای آن استراتژی صنعتی داشته باشیم؟**

در لوازم خانگی نیز می‌توانیم استراتژی داشته باشیم، اما عقل سلیم می‌گوید که نمی‌توانید ۱۶۰ یخچال‌ساز داشته باشید؛ اگر این‌طور بود که بقیه کشورها نیز از ما الگو می‌گرفتند. کره یک یا دو یخچال‌ساز سامسونگ و ال‌جی دارد. وجود ۶۸ خودروساز و مونتاژکار در یک کشور منطقی نیست. کره‌ای‌ها پنج خودروساز دارند با حدود پنج میلیون تولید.

**اقتصاددان شهیر سر آرتور لوئیس - برنده جایزه نوبل - به بحث کمیت‌ها در امر آموزش در آسیا توجه مبتکرانه‌ای دارد. در مصاحبه دیگری هم نقل قول او را به طور کامل ارائه داده‌ام که از لفظ «فارغ‌التحصیلان بی‌مایه» نام برده است. آیا اثر عملی چنین کسانی که در مسند مسئولیت تصمیم‌گیری اقتصادی قرار بگیرند، قابل درک و شهود خواهد بود؟**

ما در بسیاری از زمینه‌ها شاهد فقدان نگرش منطقی و بلندمدت و راهبرد رقابت در سطح بین‌الملل هستیم و با رقابت مخرب در داخل کشور روبه‌رو شده‌ایم. حتی در مسائل غیرصنعتی نیز شاهد خط‌های غیرعقلانی بوده‌ایم. براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی در سال ۸۹، واحدهای مرغ گوشتی دارای ۲۸۵ میلیون قطعه ظرفیت بوده و ۱۸ هزار واحد مرغداری در این سال فعال بوده‌اند. اگر از این دو آمار متوسط تولید هر واحد مرغداری را در نظر بگیریم، ۱۵ هزار و ۶۷۷ قطعه مرغ گوشتی ظرفیت اسمی هر واحد مرغداری بوده است. در سال ۹۵ آمارنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی نشان از آن دارد که تعداد واحدهای مرغداری تبدیل به ۲۰ هزار و ۸۸ واحد شده و ظرفیت اسمی تولید مرغ گوشتی در ایران به ۳۹۳ میلیون و ۲۵۴ هزار قطعه رسیده است. اگر این را به تعداد واحدها تقسیم کنیم، متوسط ظرفیت اسمی هر واحد مرغداری ۱۸،۸۲۸ می‌شود. آیا منطقی است که چنین واحدی با چنین ظرفیت اسمی‌ای سودآور باشد و بتواند به تحقیقات در زمینه خود نیز پردازد؟ آیا با این کوتوله‌پروری می‌توان امید رقابت در بازار جهانی که هیچ، در بازار داخلی ثبات قیمت و پایداری وضعیت را انتظار داشت؟ خیلی سخت است که پاسخ‌های مثبت به این پرسش‌ها را بپذیریم. مشخص است که این تولیدها اقتصادی نیستند. مدیران مسئول جهاد کشاورزی هم مانند مدیران مسئول وزارت صمت گاهی می‌گویند که برخی واحدهای مرغداری راکد است. این بد از بدتر است. آیا کسی که مجوز داده، نباید نظارت کند که این واحدها راکد است یا نه؟ اگر وام بانکی گرفت، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر یک واحد تعطیل شده کنجاله گرفت، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ قطعاً با قیمت گران‌تر می‌فروشد. نتیجه اینکه این واحدهای مرغداری احتمالاً نهاده‌هایی مانند کنجاله را ممکن است بگیرند و خدای ناکرده در بازار آزاد بفروشند.

حجم واردات کنجاله از سال ۸۵ که تحریم‌ها آغاز شده تا چهارماهه اول سال ۹۷ حدود ۹ میلیارد و ۷۰۴ میلیون دلار بوده است و در همین بازه زمانی نیز حدود ۱۵ میلیارد دلار دانه ذرت دامی به کشور وارد کرده‌ایم. پرسش این است که این حجم قابل توجه ارز مصروف‌شده، مابازایی درخور داشته است یا خیر؟ مسئله فقط در تولید نیست، حتی در خدمات هم با چنین وضعی روبه‌رو هستیم. برای نمونه تعداد خطوط هواپیمایی تأسیس‌شده تا پایان سال ۹۵ حدود ۲۵ بوده، اما مرتب در حال تزاید هستند. اگر شاخص‌هایی را با کشورهای دیگر به مقایسه بگذاریم، عمق نامناسب بودن این تعداد برای کشور ما روشن می‌شود. مشاهده هم می‌کنیم که رقابت ادعاشده پدید نیامده است.

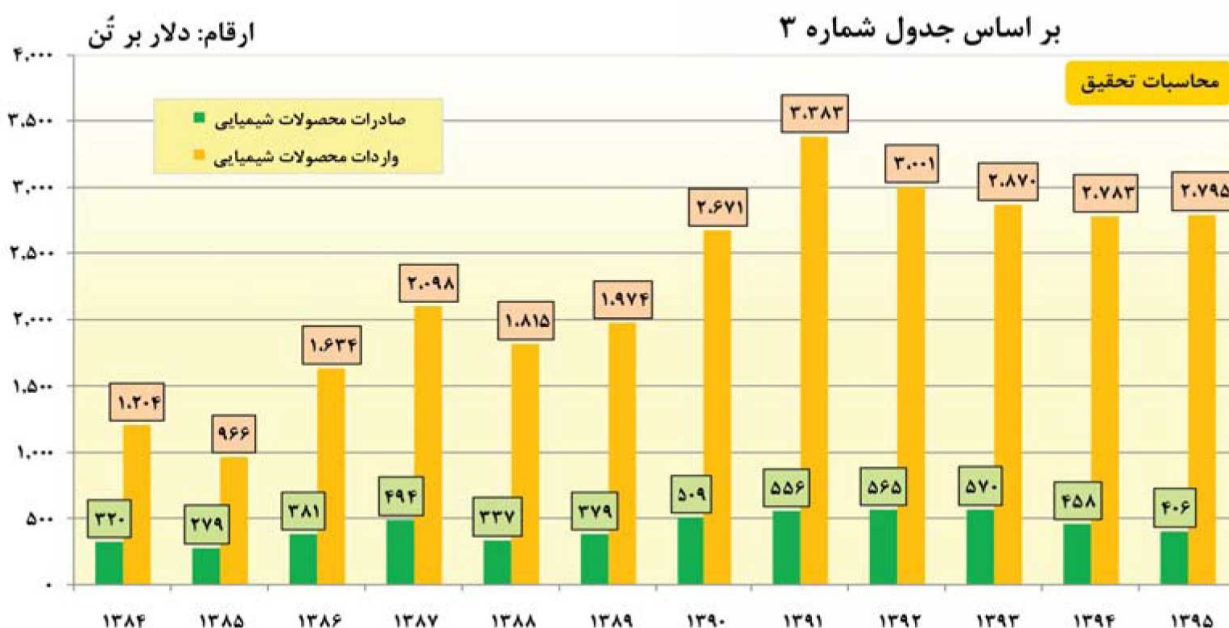


در بانک خصوصی نیز همین اتفاق ناخوشایند رخ داده و به رقابت و توانمندی نینجامیده است. اخیراً در جامعه با کمبود لاستیک و اعتراض‌هایی که درخصوص آن صورت گرفته، روبه‌رو شده‌ایم. پرسش این است که چرا با وجود ۱۲ تا ۱۳ کارخانه لاستیک‌سازی در کشورمان، هنوز لاستیک وارد می‌کنیم؟ در صورتی که کره جنوبی و ژاپن فقط دو تا سه، آلمان و فرانسه یک یا دو و ایتالیا یک کارخانه لاستیک‌سازی دارند. یا مسئله پوشک و... که در جامعه اتفاق افتاد. بنا بر دلایلی که ذکر شد و نبود ژرف‌نگری و آینده‌نگری که می‌تواند ماحصل نداشتن اهلیت حرفه‌ای در تصمیم‌گیران اقتصادی بسیاری از دولت‌هایمان بوده باشد - که اکنون نیز جوابگو نیستند - مصائب بسیاری برای اقتصاد کشور ایجاد شده است. آنان بر اثر سطحی‌نگری تصور می‌کردند با کمیتی‌نگاه کردن به تعداد واحدها می‌توانند رقابت کنند، اما اکنون کشور را در باتلاق واحدهای تکراری و ظرفیت‌های مازاد گرفتار کرده‌اند و سرمایه‌ها را به اتلاف کشانده‌اند.

**پس باید استراتژی تولیدی مناسب داشته باشیم تا صادرات را ساماندهی کنیم، نظر شما در این باره چیست؟**

نکته مهم این است که تولید در ایران ارزش ندارد و دولت‌ها برای آن ارزش قائل نیستند و تولیدکنندگان واقعی با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. دولت‌ها بدون توجه به این حقیقت که کدام بخش‌های صنعتی برای کشورمان زمینه‌ساز توسعه و اقتصاد پویا خواهند بود، با بی‌اهمیتی، شرایط فعالیت را برای آن دسته از صنایع که مبتنی صرف بر منابع اولیه خدادادی هستند، راحت می‌کنند و در مقابل آنها کوتاه می‌آیند. برای این منظور ۱۱ شرکت پتروشیمی را بررسی کردیم. از صورت‌های مالی آنها برخی اعداد استخراج شد و سود خالص این شرکت‌ها را بررسی کردیم. در سال ۹۶ که هنوز ارز به بازار ثانویه نرفته بود، سود خالص این شرکت‌ها پس از کسر مالیاتشان چهارهزار و ۷۲۶ میلیارد تومان بوده است. سود سهام مصوب که بین سهام‌داران تقسیم کرده‌اند، سه هزار و ۱۴۶ میلیارد تومان در این سال بوده است. وقتی نگاه می‌کنم در هشت سال گذشته که کشور تحریم بوده و رکود بر بازار حاکم شده، جمع سود خالص پس از کسر مالیات این ۱۱ شرکت در مجموع حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان بوده که از این مبلغ حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان سود سهام مصوب داشته‌اند. حال که بازار ثانویه آمده، سودهای تقسیمی به مراتب بیشتر می‌شود. سهم خوراک بنگاه‌های منتخب مزبور به فروش خالص بالای ۴۰ درصد رسیده است، ولی خوراک را با یارانه دریافت کرده‌اند و ارز را در قیمت بالاتر می‌فروشد؛ معدنی‌ها هم به همین ترتیب؛ با بررسی شش شرکت معدنی در بازه زمانی هشت‌ساله منتهی به ۹۶، جمع سود خالص آنها معادل حدود ۱۶ هزار میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان و سود سهام تقسیم‌شده در همین بازه زمانی ۱۲ هزار میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان بوده، آن‌هم سال‌هایی که اقتصاد در رکود به سر می‌برده است. در سال ۹۶، حدود سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان سود خالص داشته‌اند که هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان را برای تقسیم بین سهام‌داران مصوب کرده‌اند. معدنی‌ها محیط زیست را نابود می‌کنند. فولادی‌ها هم وضعیتشان به همین شکل است. این کشور روی تولید محصولات با تکنولوژی‌های پایین و فناوری متوسط رو به پایین با حراج و غارت منابع طبیعی کشور، صادراتی را انجام می‌دهد و کشور از این منابع تهی می‌شود و این شرکت‌ها کار خود را می‌کنند و نتیجه آن افزایش فقر و بی‌کاری می‌شود. باید بگوییم ارزش متوسط صادرات به ازای هر تن و میزان تردد مورد نیاز برای انجام این نوع صادرات‌های با ارزش‌افزوده پایین و خام‌فروشی، عمق عقب‌ماندگی ما را نشان می‌دهد. (نمودار ۱)

ارزش هر تن صادرات و واردات گمرکی محصولات شیمیایی ایران، سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۵ (نمودار ۱)



\* هر ۲۰ تن یک تردد فرض میگردد

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۱ (صفحه ۲۷۴)، ۱۳۸۴ (صفحه ۲۶۶)، ۱۳۸۵ (صفحه ۲۳۷) و ۱۳۸۶ (صفحه ۲۶۳)، سال ۱۳۹۲ (صفحه ۷۷)، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۰ (صفحه ۵۹)، ۱۳۸۶ (صفحه ۶۴)، ۱۳۸۷ (صفحه ۷۱) و ۱۳۸۸ (صفحه ۶۵)، ۱۳۸۸ (صفحه ۶۴-۶۵)، ۱۳۸۹ (صفحه ۷۵)، ۱۳۹۰ (صفحه ۷۷)، ۱۳۹۱ (صفحه ۷۴)، سال ۱۳۹۳ (صفحه ۷۸-۷۹)، سال ۱۳۹۴ (صفحه ۷۴-۷۹)، سال ۱۳۹۵ (صفحه ۷۵-۷۶)

با توجه به مطالب گفته شده، باید اشاره کرد که برای خروج از بحران‌های اقتصادی که تجلی آن در واردات و صادرات ما نمایان است، باید به دنبال یک استراتژی کارآمد بود و تدوین این استراتژی فهم بالایی می‌طلبد؛ یعنی باید یک قوه عاقله متشکل از صاحب‌نظران اقتصادی مستقل از قوای سه‌گانه کشور باشد. تجارب بیش از هفت دهه گذشته نشان می‌دهد که با این رویه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قادر نخواهیم بود کشور را به ساحل آرامش، توسعه و سپس رشد اقتصادی برسانیم. همچنین توانمندی‌های موجود در کشور با برهم‌گذاری خرده‌دانش‌هایمان، کاملاً ظرفیت و قابلیت فائق‌آمدن بر این مشکلات را دارد و به سرعت می‌توانیم کشور را از منظر اقتصادی، از کشوری بازی‌شونده به کشوری بازیگر تغییر دهیم. رمز پیشرفت کشورهایی که روند توسعه اقتصادی خود را بهبود و تسریع بخشیدند، اصلاح نظام ناکارآمد و تصمیم‌گیری جزیره‌ای است. باید از سطحی بالاتر به مسئله ورود کرد و تصمیم‌هایی قاطع‌تر، کارآمدتر و اثربخش‌تر اتخاذ کرد.